قمار تعرفه‌ای: چرا دست «شی» از دست «ترامپ» قوی‌تر است؟



گیدیون راگمن
ستون‌نویس فاینانشال تایمز

«ترامپ» روز یک‌شنبه (۲۴ فروردین) توییت زد که «هیچ کس قرار نیست قِسِر دربره»، جمله‌ای که در آن «هیچ کس» را با حروف بزرگ انگلیسی نوشته بود. به‌نظرم (برخلاف روال معمول) او هر زمان تردید بیشتر و اعتماد به نفس کمتری دارد، از حروف بزرگ استفاده می‌کند. شرحی که او بر سیاست تعرفه‌ای جدید به این شکل داد بر ابهام‌ها بیشتر افزود، چون به تازگی در بیانیه‌ای تلفن‌های هوشمند و تجهیزات الکترونیکی مصرفی را از تعرفه‌ها مستثنی کرده بود. این معافیت خود نسبت به بازبینی سیاستی که تنها هفته پیش اعلام شده بود، جدید به حساب می‌آمد. هفته پیش او تعرفه‌های جدید «متقابل» به میزان ۱۴۵ درصد بر تمامی کالاهای وارداتی از چین وضع کرده بود. این تعرفه‌های جدید خود نسبت به افزایش شدید در نرخ‌هایی که تنها چند روز پیش از آن اعلام شده بود، جدید به حساب می‌آمد. آن افزایش شدید هم نسبت به سیاست‌های پیش از ۲ آوریل جدید به حساب می‌آمد. واقعا هنوز حوصله دارید سیاست‌های تعرفه‌ای آمریکا را دنبال کنید؟

گرچه ناظر غیرحرفه‌ای ممکن است چنین تصور کند که این تغییرات ناگهانی در سیاست تعرفه‌ای، نشان از بی‌نظمی در کاخ سفید دارد، اما هواداران ترامپ دیدگاهی کاملا متفاوت دارند. «بیل اکمن[1]»، سرمایه‌گذار مالی، این «عقب‌گرد تند و ناگهانی» از سیاست‌های پیشین را «نمونه‌ی درخشان کلاسیک از اصول هنر معامله» توصیف کرده است. سرسخت‌ترین حامیان رئیس جمهور همچنان اصرار دارند که او یک استراتژیست تمام‌عیار است. هر کس خلاف این را مطرح کند، در معرض اتهام ابتلا به « سندرم ترامپ‌ستیزی هیستریک» قرار می‌گیرد. متاسفانه من هم کماکان دچار این سندروم هستم (واکسن آن هم ممنوع شده است). در ذهن آشفته‌ی پرتب‌وتاب من، به‌نظر می‌رسد که دست ترامپ در «پوکر تعرفه‌ای» با چین، بسیار ضعیف‌تر از چیزی است که خود تصور می‌کرد و حال هرچه بیشتر در پذیرش قطعی این واقعیت تعلل ورزد، میزان زیان برای او و آمریکا افزایش خواهد یافت.

فرض بنیادین ترامپ و هم‌پیمانان تجاری او این است که چین، در تقابل تعرفه‌ای، به‌طور پیش‌فرض در موضع ضعف قرار دارد. «اسکات بسنت[2]»، وزیر خزانه‌داری آمریکا، استدلال می‌کرد که چین «با یک پاکت دو بازی می‌کند ... آمریکا تنها یک‌پنجم از آنچه آن‌ها به ما صادر می‌کنند به چین صادر می‌کند، بنابراین

1.https://www.cnbc.com/2025/04/09/bill-ackman-praises-trumps-tariff-pause-thank-you-on-behalf-of-all-americans.html
2.https://www.cnbc.com/2025/04/08/treasury-secretary-bessent-says-chinas-escalation-was-big-mistake-country-playing-with-losing-hand.html

این دست آن‌هاست که بازنده است». نقص‌های منطقی در استدلال «ترامپ» و «بسنت» را «آدام پوزن»، در مقاله‌ای تحلیلی در نشریه «فارن افرز» به‌روشنی شرح داده است. چنان‌که «پوزن» توضیح می‌دهد، این واقعیت که چین بسیار بیشتر از آمریکا به آن کشور صادرات دارد، دقیقا نوعی اهرم فشار برای چین به حساب می‌آید نه نشانه‌ی ضعف.

آمریکا با نیت خیرخواهی محصولات چینی را خریداری نمی‌کند؛ آمریکایی‌ها خواهان کالاهایی هستند که چین تولید می‌کند. بنابراین، اگر این محصولات به‌طور چشمگیری گران‌تر یا به‌کلی از قفسه‌ها ناپدید شوند، زیان نهایی متوجه مصرف‌کنندگان آمریکایی خواهد بود. اهمیت مشقت‌بار گفته‌های اخیر او در خصوص معافیت تلفن‌های هوشمند در این است که «ترامپ» سرانجام ناگزیر شده به‌طور ضمنی به این حقیقت، که همواره منکر آن بوده، اذعان کند: «این واردکنندگان هستند که تعرفه‌ها را پرداخت می‌کنند، نه صادرکنندگان!».

بیش از نیمی از تلفن‌های هوشمند فروخته‌شده در بازار آمریکا، آیفون هستند و ۸۰ درصد از آن‌ها در چین تولید می‌شوند. اگر قیمت آن‌ها بیش از دو برابر شود، واکنش اعتراضی مصرف‌کنندگان آمریکایی شدید خواهد بود. قرار نبود «روز رهایی» به معنای رهایی مردم از تلفن‌های هوشمندشان باشد. تلفن‌های همراه و تجهیزات رایانه‌ای، بارزترین گزینه‌ها برای عقب‌نشینی احتمالی در سیاست تعرفه‌ای هستند و این موارد، استثنا محسوب نمی‌شوند. ترامپ باید امیدوار باشد که تابستان داغی در پیش نباشد؛ چراکه حدود ۸۰ درصد از دستگاه‌های تهویه مطبوع جهان هم در چین تولید می‌شوند و البته سه‌چهارم از پنکه‌های برقی وارداتی آمریکا. علاوه بر این کاخ سفید بی‌تردید باید آرزو کند که جنگ تجاری تا کریسمس پیش‌رو در زمستان پایان یابد، چون ۷۵ درصد از عروسک‌ها و دوچرخه‌هایی که آمریکا وارد می‌کند هم در چین ساخته می‌شوند.

آیا می‌توان تمام این اقلام را در داخل آمریکا تولید کرد؟ شاید در حد امکان‌پذیری فنی. اما راه‌اندازی خطوط تولید جدید زمان‌بر است و محصولات نهایی نیز گران‌تر تمام خواهند شد. از آنجا که ترامپ از تیترهای منفی متنفر و خواهان حذف آن‌ها از ساحت گردش رسانه‌ها است. بنابراین، به‌جای تحمل کمبود کالا و فشارهای تورمی، احتمالا به‌طور فزاینده‌ای اقلام بیشتری را به فهرست کالاهای معاف از تعرفه خواهد افزود.

در چنین شرایطی، چین توان آن را دارد که «راهبرد بازی با زمان» را در پیش بگیرد. اما اگر پکن تصمیم بگیرد رویکردی تهاجمی اتخاذ کند، برای آن ابزارهایی قدرتمند لازم را دارد. چین نزدیک به ۵۰ درصد از مواد اولیه داروهای آنتی‌بیوتیکی‌ای[1] را تولید می‌کند که نظام سلامت آمریکا به آن‌ها وابسته است. جنگنده اف-۳۵[2]، ستون فقرات نیروی هوایی آمریکا، برای تولید خود به عناصر کمیاب معدنی نیاز دارد که منشا اصلی تامین آن‌ها، چین است. افزون بر این، چینی‌ها دومین مالک خارجیِ بزرگِ اوراق قرضه خزانه‌داری آمریکا هستند، اهرمی که اگر قرار باشد جنگ به بازارهای مالی هم سرایت کند اهمیت می‌یابد.

حتی اگر دولت ترامپ بتواند گروهی از واردات را شناسایی کند که فقدان آن‌ها در آمریکا حس نشود، باز هم بعید است بتواند آسیبی ساختارشکن به اقتصاد چین وارد کند. بازار آمریکا تنها حدود ۱۴ درصد از صادرات چین را تشکیل می‌دهد. «یورگ ووتکه[3]»، رئیس پیشین اتاق بازرگانی اروپا در پکن، بر این باور است که "تعرفه‌های آمریکا مزاحم‌اند، اما تهدیدی برای اقتصاد محسوب نمی‌شوند ... چین اقتصادی ۱۴ تا ۱۵ تریلیون دلاری دارد و کل صادرات چین به آمریکا تنها ۵۵۰ میلیارد دلار است".

کاخ سفید با لحنی التماس‌گونه همچنان پیشنهاد می‌دهد که «شی جین‌پینگ»، رئیس‌جمهور چین، گوشی را بردارد و تماس بگیرد. اما در شرایطی که ترامپ در حال عقب‌نشینی شتاب‌زده است، هیچ انگیزه‌ای برای رهبر چین وجود ندارد که وارد گفتگو شود، چه رسد به آن‌که خواستار بخشش گردد. یک نظام اقتدارگرا که به‌طور متمرکز از سوی حزب کمونیست چین کنترل می‌شود، به احتمال فراوان آمادگی بیشتری برای تحمل یک دوره تنش سیاسی و رکود اقتصادی دارد تا آمریکا، جایی که بی‌ثباتی اقتصادی به‌سرعت به فشار سیاسی بدل می‌شود.

شکی نیست که «شی» هم می‌تواند مرتکب اشتباهاتی راهبردی شود؛ مدیریت چین در بحران پاندمی کووید-۱۹ گواهی بر این مدعاست. اما چینی‌ها مدت‌هاست خود را برای رویارویی تجاری با آمریکا آماده و گزینه‌های راهبردی خود را از پیش ارزیابی کرده‌اند. در مقابل، کاخ سفید سیاست‌ورزی را در لحظه و بدون نقشه قبلی پیش می‌برد. ترامپ، در پوکر تعرفه‌ای، روی دست بازنده شرط بسته و دیر یا زود، ناگزیر به «فولد» کردن است. نمونه کامل «هنر معامله» از نوع کلاسیک آن!

1.https://globalizationandhealth.biomedcentral.com/articles/10.1186/s12992-024-01089-x

2.https://www.karveinternational.com/insights/the-impact-of-chinas-rare-earth-supply-chain-monopoly-on-national-security

3.https://www.ft.com/content/1dacd561-7fc7-4c26-972f-4f780774d64c

پانویس:

- * دست «گان‌شات» برگ لازم برای استریت شدن را ندارد و بی‌ارزش است.

اصطلاحات:

- Casual Observer = ناظر غیرحرفه‌ای
- Climbdown = عقب‌نشینی
- Feverish Mind = ذهن آشفته
- Flaws in Logic = نقص‌های منطقی
- Getting off the Hook = قسر در رفتن
- Headlong Retreat = عقب‌نشینی شتاب‌زده
- Plaintively = التماس‌گونه
- Screeching U-Turn = عقب‌نشینی سریع
- Tacitly Acknowledge = تایید ضمنی
- Tariff Poker = پوکر تعرفه‌ای
- The Significance of the Agonising = اهمیت مشقت‌بار
- Trump Derangement Syndrome = سندرم ترامپ‌ستیزی هیستریک

منابع:

- https://www.ft.com/content/2112e995-3b76-4886-ad45-5fc8991cd120